

جنگ الگوریتمی وزنجیره ترور

از گراف جامعه تا کوری اطلاعاتی

«مطالعه این کتاب برای فرماندهان،
مسئولین و خانواده، کارمندان و محافظان
آنان در جمهوری اسلامی ایران، واجب است»

ناصرکاوه



کتاب زنجیره شریعت ناصر کاوه



تأليف: محمد
مختار احمد درویش

کتاب زنجیره ترور ناصر کاوه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله
الطاهرين

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)
امامین انقلاب خمینی (ره) و شهید خامنه ای، شهدای
از صدر اسلام تا شهدای رمضان ۱۴۰۴

«اگر کتابخوانی فرهنگ رایج شد و در بین مردم ما جا بیفتد، آن وقت کسانی پیدا می‌شوند که «صدقه‌ی کتاب» درست می‌کنند. شما ببینید چقدر روضه‌خوانی می‌شود! چقدر احسان می‌شود! چقدر به ایتام کمک می‌شود! چقدر پول و جنس و پارچه و این‌ها داده می‌شود! آیا به همین نسبت، کتاب هم داده می‌شود؟ به همین نسبت پول برای چاپ کتاب داده می‌شود؟! خیلی کم. حالا یک وقتی در گذشته، زمانی، کسانی از تجار و بازاری‌های مومن پیدا می‌شدند؛ فرضاً کتابی چاپ می‌کردند و مجانی به طلاب می‌دادند. قبلاً در حد معدودی، این کارها معمول بود؛ اما الان این کارها نمی‌شود، این کارها کم است. خوب شماها روشنفکرید و به اهمیت این کار آگاهی، این را ترویج کنید.» ۱۳۷۴/۲/۱۸ «شهید امام خامنه ای»

خلاصه کتاب

«جنگ الگوریتمی و زنجیره ترور از گراف جامعه تا کوری اطلاعاتی»

مدیر پروژه و نویسنده: ناصر کاوه

هوش مصنوعی، گرافیک و طراح: علی کربلائی

رسانه و فضای مجازی: مهدی کاوه

تایپ و حروف نگار و مشاور طرح: نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

خواند این کتاب برای فرماندهان، مسئولین و خانواده، کارمندان و
محافظان آنان در جمهوری اسلامی ایران، واجب است



آیت الله العظمی شهید، سید علی حسینی خامنه‌ای

ملت ایران درسهای اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است: میدانند که چه کار کنند. امام حسین (علیه السلام) فرمود: مثلی لا ینایع مثل یزید: کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمیکنند. ملت ایران در واقع میگویند: مثلی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سردمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد. ۲۸/۱۱/۱۴۰۴

کتاب زنجیره ترور_ناصر کاوه

فهرست مطالب

مقدمه/۱۰

جهان شیشه‌ای و قتل با داده

فصل اول/۱۶

پان اپتیکون دیجیتال و قفس شیشه‌ای جوامع

فصل دوم/۲۰

گراف جامعه؛ وقتی روابط تو نقشه قتل می‌شود

فصل سوم/۲۴

زنجیره ترور الگوریتمی؛ از پینگ موبایل تا موشک نقطه‌زن

فصل چهارم/۲۸

فرماندهان زیر تیغ؛ نقش خانواده، دوستان و همکاران

فصل پنجم/۳۲

هوش مصنوعی در خدمت قتل؛ «لاوندرا»، «پالانتیر» و هم خانواده‌ها

فصل ششم/۳۵

مرگ بازدارندگی مطلق؛ چرا هیچ‌کس امن نیست؟

فصل هفتم/۳۹

کوری اطلاعاتی؛ تجربه یمن و غزه در عصر نظارت مطلق

فصل هشتم/۴۳

راهکارها و پارادوکس بقا؛ چگونه از گراف قتل بیرون بمانیم؟

فصل نهم/۴۷

ماهواره، سنسور و آسمان جاسوس‌ها

فصل دهم/۵۱

همزیستی نفوذ و رسانه؛ بازیگرانی که نامرئی می‌مانند

سخن آخر/۵۵

«مقدمه: جهان شیشه»



کتاب زنجیره رور ناصر کاوه

پنهانی و قتل با داده»



مقدمه

جهان شیشه‌ای و قتل با داده

در جهان قدیم، ترور یک شخصیت مهم یا فرمانده نظامی، داستانی پیچیده و پرریسک بود. برای حذف یک فرد، لازم بود شبکه‌ای از جاسوسان انسانی شکل بگیرد؛ نفوذی‌ها ماه‌ها یا حتی سال‌ها در محیط هدف زندگی کنند، اعتماد به دست آورند، اطلاعات جمع کنند و در نهایت شرایط عملیات را فراهم سازند. جلسات محرمانه، پیام‌های رمزگذاری‌شده روی کاغذ، انتقال اطلاعات به‌وسیله حاملان انسانی و عملیات‌های میدانی خطرناک، اجزای اصلی این نوع جنگ پنهان بودند. خطا در هر مرحله می‌توانست کل عملیات را شکست دهد. اما جهان امروز دیگر آن جهان نیست.

تحول فناوری، به‌ویژه در حوزه ارتباطات دیجیتال، داده‌های بزرگ و هوش مصنوعی، شکل ترور و عملیات اطلاعاتی را به‌طور بنیادین تغییر داده است. اکنون بسیاری از این عملیات‌ها نه در کوچه‌ها و خیابان‌ها، بلکه در اتاق‌های کنترل، مراکز داده و پشت صفحه‌نمایش‌ها طراحی می‌شوند. اتاق‌هایی که شاید در آن‌ها صدای انفجار شنیده نشود، اما تصمیم‌هایی گرفته می‌شود که در نهایت به همان نتیجه می‌انجامد: مرگ انسان‌ها.

جهان دیجیتال، در ظاهر، جهانی از ارتباطات آزاد و سریع است. انسان‌ها با یکدیگر حرف می‌زنند، عکس می‌فرستند، موقعیت مکانی خود را به اشتراک می‌گذارند و لحظات زندگی روزمره را ثبت می‌کنند. اما همین رفتارهای عادی و روزمره، در سطحی دیگر به تولید انبوهی از داده تبدیل می‌شود؛ داده‌هایی که در کنار یکدیگر، تصویری بسیار دقیق از زندگی انسان‌ها می‌سازند.

«این تصویر همان چیزی است که می‌توان آن را

«گراف جامعه» نامید.»

در گراف جامعه، هر انسان یک گره است و هر ارتباط میان انسان‌ها یک خط ارتباطی. تماس تلفنی، پیام در شبکه اجتماعی، حضور در یک مکان مشترک، عکس گرفتن در کنار یکدیگر یا حتی حرکت هم‌زمان در یک مسیر شهری، همگی به نقاطی در این شبکه عظیم تبدیل می‌شوند. وقتی میلیون‌ها و میلیارد‌ها داده از این روابط جمع‌آوری شود، الگوریتم‌ها قادرند نقشه‌ای دقیق از روابط اجتماعی، حلقه‌های ارتباطی و الگوهای رفتاری افراد ترسیم کنند.

در چنین شرایطی، دیگر لازم نیست دشمن برای شناخت یک فرد، به جاسوس انسانی متکی باشد. کافی است داده‌ها را تحلیل کند.

در جهان امروز، بسیاری از اطلاعاتی که پیش‌تر تنها از طریق جاسوسی سنتی به دست می‌آمد، اکنون به‌طور داوطلبانه توسط خود کاربران تولید و منتشر می‌شود. هر پیام، هر عکس، هر لوکیشن و هر تعامل دیجیتال، قطعه‌ای از پازل بزرگ داده‌ها را کامل‌تر می‌کند. نتیجه آن است که زندگی انسان‌ها، ناخواسته به شبکه‌ای از اطلاعات تبدیل می‌شود که تحلیل آن برای سامانه‌های هوش مصنوعی بسیار ساده‌تر از گذشته است.

در برخی تحلیل‌ها و گزارش‌ها، از این وضعیت با عنوان «پان‌اِپتیکون دیجیتال» یاد می‌شود؛ ساختاری که در آن همه چیز قابل مشاهده است، اما مشاهده‌گران همیشه دیده نمی‌شوند.

در این ساختار، شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های دیجیتال، تلفن‌های همراه، دوربین‌های شهری و سامانه‌های جمع‌آوری داده، مانند برج‌های دیده‌بانی عمل می‌کنند. انسان‌ها در ظاهر

این کتاب تلاشی است برای توضیح این واقعیت جدید؛ واقعیتی که در آن مرز میان زندگی روزمره و میدان جنگ به شدت کمرنگ شده است. هدف کتاب، ایجاد ترس یا بدبینی افراطی نیست، بلکه روشن کردن سازوکارهایی است که بسیاری از مردم از آن‌ها آگاه نیستند.

در فصل‌های پیش رو، ابتدا مفهوم «پان‌اپتیکون دیجیتال» و جهان شیشه‌ای داده‌ها بررسی می‌شود؛ جهانی که در آن شفافیت اطلاعاتی می‌تواند به ابزاری برای کنترل یا حتی حذف فیزیکی افراد تبدیل شود. سپس مفهوم «گراف جامعه» و نقش آن در تحلیل روابط انسانی توضیح داده می‌شود؛ اینکه چگونه شبکه‌ای از ارتباطات ساده می‌تواند به نقشه‌ای دقیق از ساختار اجتماعی تبدیل گردد.

در ادامه، روند تبدیل داده‌های پراکنده به زنجیره هدف‌گیری بررسی می‌شود؛ زنجیره‌ای که از جمع‌آوری داده آغاز می‌شود و در نهایت ممکن است به عملیات نظامی ختم گردد. همچنین نقش هوش مصنوعی، پلتفرم‌های تحلیل داده و سامانه‌های پردازش گراف در این فرایند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اما این کتاب تنها درباره فناوری نیست.؟!

در دل این بحث، پرسشی عمیق‌تر وجود دارد: انسان در برابر این جهان داده‌محور چه مسئولیتی دارد؟

آیا می‌توان بدون درک سازوکارهای جمع‌آوری داده، همچنان با همان الگوهای گذشته در فضای دیجیتال زندگی کرد؟ آیا جامعه‌ای که از ماهیت این سامانه‌ها آگاه نیست، می‌تواند در برابر سوءاستفاده از داده‌های خود مقاومت کند؟

این کتاب پاسخی قطعی برای همه این پرسش‌ها ارائه نمی‌دهد، اما تلاش می‌کند تصویری روشن‌تر از واقعیتی ارائه

دهد که به تدریج در حال شکل دادن به آینده جنگ و امنیت است. جهانی که در آن، مرگ گاهی نه از لوله تفنگ، بلکه از دل یک الگوریتم آغاز می شود. در جهان قدیم، ترور یک فرد مهم، قصه ای بود از نفوذ جاسوس ها، جلسات محرمانه، اسناد کاغذی و عملیات های میدانی پرخطر.

امروز اما، بخش بزرگی از این خشونت، پشت صفحه نمایش ها اتفاق می افتد؛ در اتاق هایی که نه بوی باروت می دهند، نه صدای انفجار در آن ها شنیده می شود، اما خروجی شان همان است: مرگ انسان ها. پیشرفت فناوری، جهان را به یک قفس شیشه ای تبدیل کرده است؛ قفسی که ما خودمان با دست های خودمان شیشه هایش را تمیز کرده ایم.

با هر پیام، هر تماس، هر استوری و هر موقعیت مکانی که داوطلبانه به پلتفرم های خارجی می سپاریم، قطعه ای تازه به پازل «گراف جامع» اضافه می کنیم. همان گرافی که نهادهای اطلاعاتی برای ترور فرماندهان، فعالان و شخصیت های اثرگذار از آن استفاده می کنند.

در غیاب حاکمیت سایبری و شبکه ملی، تمام ارتباطات شهروندان عملاً و داوطلبانه به «پان اپتیکون دیجیتال» تحویل داده می شود. در این زندان شیشه ای، دشمن برای دیدن درون خانه ها و روابط، حتی نیاز به هک کردن ندارد؛ کافی است گراف روابط را بخواند، تحلیل کند، و آن را با داده های موبایل و دوربین ترکیب نماید. نتیجه، چیزی است که می توان آن را «شفافیت مرگبار» نامید؛ شفافیتی که نه برای مبارزه با فساد، بلکه برای هدف گیری دقیق انسان ها به کار می رود.

فرماندهان و شخصیت ها، نه فقط با نفوذ جاسوسان، که با ردیابی موبایل های خانواده و دوستان شان، با دوربین های

کتاب زنجیره ترور_ناصر کاوه

خیابان و ساختمان، و با ابزارهای هوش مصنوعی چون «لایوندر» و «پالانتیر» ترور می‌شوند.

در جنگ‌های جدید، حدود ۹۰٪ ضربه‌ها نه با جاسوس انسانی، بلکه با نفوذ تکنولوژی وارد می‌شود؛ نفوذی که از دل داده‌های روزمره و عادی ما تغذیه می‌کند.

«این کتاب تلاشی است برای تبیین این جهان جدید»

- اینکه گراف جامعه یعنی چه،
- چگونه هر تماس و تردد به نقطه‌ای در «نقشه قتل» تبدیل می‌شود،
- چرا هیچ بازدارندگی مطلق دیگری وجود ندارد،
- و در نهایت، چگونه برخی بازیگران مثل مقاومت در یمن و غزه، با بازگشت به روش‌های کاملاً سنتی، برای دشمن «کوری اطلاعاتی» ایجاد کرده‌اند.

به‌عنوان یک نویسنده، در این جنگ، نه فقط ناظر، بلکه کنشگری؛ قلم می‌تواند برای خواننده توضیح دهد که «قتل الگوریتمی» چگونه متولد می‌شود و ما در برابر آن چه مسئولیتی داریم.

خواند این کتاب برای فرماندهان، مسئولین و خانواده، کارمندان و محافظان آنان در جمهوری اسلامی ایران، واجب است

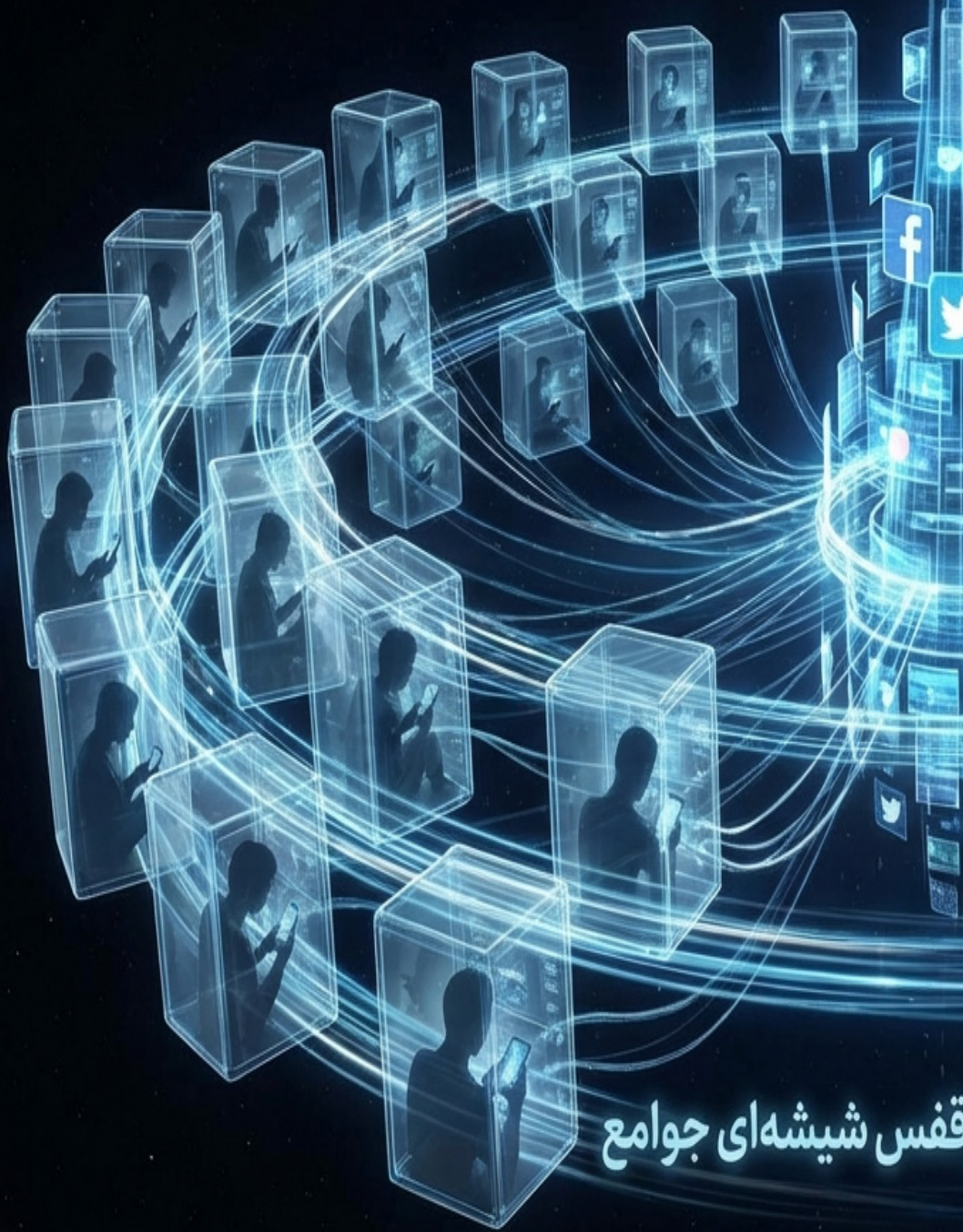
باحول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تهیه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمزی فاطمه زهرا (س) نوشتن «کتاب جنگ الگوریتمی و زنجیره تروراز گراف جامعه تا کوری اطلاعاتی»، را شروع می‌کنیم تا انشاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد...



کتاب زنجیره سرور ناصر کاوه

پان ایتیکون دیجیتال و





قفس شیشه‌ای جوامع

فصل اول پان اپتیکون دیجیتال و قفس شیشه‌ای جوامع

«پان اپتیکون دیجیتال شبکه‌های اجتماعی خارجی را به قفس شیشه‌ای جوامع تبدیل کرده است.»

«پان اپتیکون» در اصل طرح معماری یک زندان است؛ زندانی که در آن یک برج دیده‌بانی مرکزی، توان مشاهده همه سلول‌ها را دارد، در حالی که زندانیان نمی‌دانند چه زمانی زیر نگاه نگهبان هستند. نتیجه چیست؟

خودسانسوری، انضباط درونی و ترس دائمی.

در نسخه دیجیتال این پان اپتیکون:

■ برج دیده‌بانی همان پلتفرم‌های شبکه اجتماعی، شرکت‌های فناوری، و نهادهای اطلاعاتی پشت آن‌هاست.

■ سلول‌ها، حساب‌های کاربری ما هستند.

■ دوربین‌های نامرئی، همان حس گرها، میکروفون‌ها، جی‌پی‌اس‌ها و لاگ‌های رفتاری هستند که بدون خستگی، تک‌تک حرکات ما را ثبت می‌کنند.

با نبود «مرز دیجیتال» و «حاکمیت سایبری»، ارتباطات شهروندان کاملاً داوطلبانه در اختیار مالکان این پلتفرم‌ها قرار می‌گیرد. این یعنی: نیازی به جاسوسی سخت و پرخطر نیست؛ ما خودمان در را باز گذاشته‌ایم.

از شفافیت تا شفافیت مرگبار

در ادبیات عمومی، «شفافیت» غالباً یک ارزش مثبت است. اما وقتی شفافیت به صورت یک طرفه باشد، یعنی ما برای نهادهای قدرتمند شفاف باشیم ولی آنها برای ما نه این شفافیت می تواند مرگبار شود. همان طور که در متن صفحه ۳ آمده است:

«در این زندان شیشه‌ای، نهادهای اطلاعاتی نیازی به هک کردن ندارند؛ آنها به سادگی گراف جامعه را رصد می کنند.»

مرگبار بودن این شفافیت در جنگ های جدید خود را نشان می دهد:

■ فرماندهانی که خانه هایشان دوربین ندارد،

■ حتی موبایل شخصی شان خاموش یا اصلاً وجود ندارد، اما به واسطه فرزندان، همسران، دوستان و محافظان در گراف یک پلتفرم برجسب می خورند و از دل همین گراف، مسیر تردد شان استخراج می شود.

در این فصل، خواننده باید با این حس مواجه شود که ما در یک جهان عادی و روزمره زندگی نمی کنیم؛ ما درون یک سازه امنیتی عظیم زندگی می کنیم که مرکز آن، «الگوریتم» است، نه انسان نگهبان.



THE SOCIAL GRAPH:

WHEN RELATIONSHIPS BECOME A **KILL MAP**



فصل دوم

گراف جامعه؛ وقتی روابط تو نقشه قتل می شود

اصطلاح «گراف جامعه» در متن «جنگ الگوریتم» به روشنی استفاده می شود؛ گرافی که نوک پیکان آن به سمت جنگ و ترور است، نه صرفاً تحلیل بازار یا سرگرمی.

گراف چیست؟

برای خواننده غیرتخصصی، باید ساده توضیح دهی:
■ هر انسان، یک نود (گره).

■ هر ارتباط (تماس، چت، دیدار، همسایگی، عکس مشترک)، یک یال (خط ارتباط).

■ خروجی: یک شبکه بزرگ از گره ها و یال ها که می توان روی آن پرسید:

0 چه کسی «مرکز» شبکه است؟

0 چه کسی حلقه وصل دو گروه است؟

0 چه کسی اگر حذف شود، شبکه فرو می پاشد؟

تحلیل این گراف ها، از آن جا که در پلتفرم های جهانی ثبت می شود، برای سازمان های اطلاعاتی بیرونی، مثل یک نقشه گنج است؛ گنجی از اطلاعات انسانی.

از گراف اجتماعی تا گراف ترور

وقتی این گراف را با داده‌های دیگر ترکیب کنند:

- موقعیت مکانی (از دکل‌های BTS موبایل)،
- تصاویر دوربین‌های شهری،
- داده‌های بانکی، سفر، تردد خودرو،

گراف اجتماعی به گراف ترور تبدیل می‌شود.
در متن ولایی‌منش، اشاره می‌شود که ترور فرماندهان، عمدتاً
از طریق:

- ردیابی موبایل‌های خانواده و همکاران،
- دوربین‌های خیابان و ساختمان‌ها،
- و سپس تقاطع‌گیری این دو با ابزارهای هوش مصنوعی انجام
می‌شود.

این همان فیوژن داده است. دشمن لازم نیست بداند خود
فرمانده کجاست؛ کافی است بداند:

- همسرش امروز کجا رفته،
- فرزندش صبح از چه مسیری به مدرسه رفته،
- محافظش در چه ساعات و چه روزهایی در یک منطقه خاص
حضور دارد.

گراف روابط، وقتی با زمان و مکان ترکیب شود، به الگوی
تردد شخصیت‌ها تبدیل می‌گردد. در این فصل می‌توان چند
سناریوی فرضی (داستانی) بنویسی که این روند را به صورت
روایی به خواننده نشان دهد.



Algorithmic Kill Chain

CHAPTER 1 ILLUSTRATION



فصل سوم:

زنجیره ترور الگوریتمی؛ از پینگ موبایل تا موشک نقطه زن

«زنجیره قتل» (Kill Chain) در ادبیات نظامی، سلسله‌مراحل است از کشف هدف تا انهدام آن. در جنگ الگوریتمی، این زنجیره به شدت داده‌محور و خودکار شده است.

۱. جمع‌آوری داده (Sensor)

منابع:

- موبایل‌ها (خانواده، دوستان، همکاران)
- دوربین‌های شهری و ساختمانی
- شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها
- داده‌های تردد خودرو، بلیت هواپیما و قطار، تراکنش‌های مالی

۲. فیلتر و تقاطع‌گیری

در این مرحله، ابزارهایی مانند:

■ «لاوندِر» (Lavender)

سامانه‌ای که در برخی گزارش‌ها برای درجه‌بندی اهداف انسانی بر اساس داده‌ها معرفی شده،

■ «پالانتیر» (Palantir)

پلتفرم آمریکایی تحلیل داده‌های عظیم و گراف‌های امنیتی و نظامی،

به کار می‌آیند تا:

- الگوهای رفتاری را تشخیص دهند،
- افراد کلیدی را در گراف برجسته کنند،
- و نمره خطر / ارزش هدف به افراد بدهند.

۳. تصمیم‌گیری

خروجی این الگوریتم‌ها، لیستی از اهداف است:

■ کی،

■ کجا،

■ با چه احتمالی در یک موقعیت مشخص حاضر خواهد شد.

در جنگ‌های اخیر، گزارش‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد تصمیم‌گیری برای حمله به اهداف انسانی، به شدت خودکار و الگوریتمیک شده و نقش انسان از «تصمیم‌گیرنده» به «تأییدکننده» تقلیل یافته است.

۴. اجرا (موشک، پهپاد، بمب هوشمند)

پس از تأیید:

■ پهپاد، موشک هدایت‌شونده یا جنگنده،

به نقطه‌ای که الگوریتم مشخص کرده، اعزام می‌شود.

موشک، نتیجه نهایی زنجیره‌ای است که از یک کلیک ساده در موبایل یک کودک یا یک تماس عادی یک دوست آغاز شده است.

در این فصل، باید نشان دهی چگونه «زندگی روزمره» خام جنگ الگوریتمی است.





فصل چهارم فرماندهان زیر تیغ؛ نقش خانواده، دوستان و همکاران

«متأسفانه ترور و به شهادت رسیدن فرماندهان و مسئولین و خدمتگزاران و... در جمهوری اسلامی ایران، عمدتاً از طریق ردیابی موبایل‌های اعضای خانواده، اقوام، دوستان، محافظان و همکاران آن‌ها فراهم می‌شود.»

«این جمله، باید به صورت داستانی و تحلیلی باز شود»

۱. فرماندهی که خود تلفن همراه ندارد یا به شدت مراقب است.

۲. اما:

۵ همسرش از واتس‌آپ یا اینستاگرام استفاده می‌کند،
۵ فرزندش لوکیشن زنده برای دوستش می‌فرستد،
۵ محافظش با موبایل هوشمند شیفت می‌دهد و عکس می‌گیرد و برای بقیه هم ارسال می‌کند و....

الگوریتم‌های تحلیل گراف:

■ این چند نفر را به عنوان یک خوشه تردد مشترک شناسایی می‌کنند؛

■ تکرار همزمان حضورشان در چند نقطه را کشف می‌کنند؛

■ و از روی «پترن رفت و آمد» به احتمال زیاد حضور فرمانده در خانه، مسجد، دفتر یا مسیر خاص پی می‌برند.

دشواری قطع ارتباط

«مهمترین راهکار مقابله با جمع آوری داده های دیجیتال، قطع هرگونه استفاده از موبایل و لوازم الکترونیکی اطرافیان شخصیت ها و استفاده از روش های سنتی و کاغذی در ایام حساس مانند جنگ است. تحقق چنین چیزی ... با دشواری های بسیار فراوانی روبرو هست.»

این دشواری ها را می توان به شکل انسانی نشان داد:

■ فرزندی که نمی تواند با پدرش تماس تصویری بگیرد،

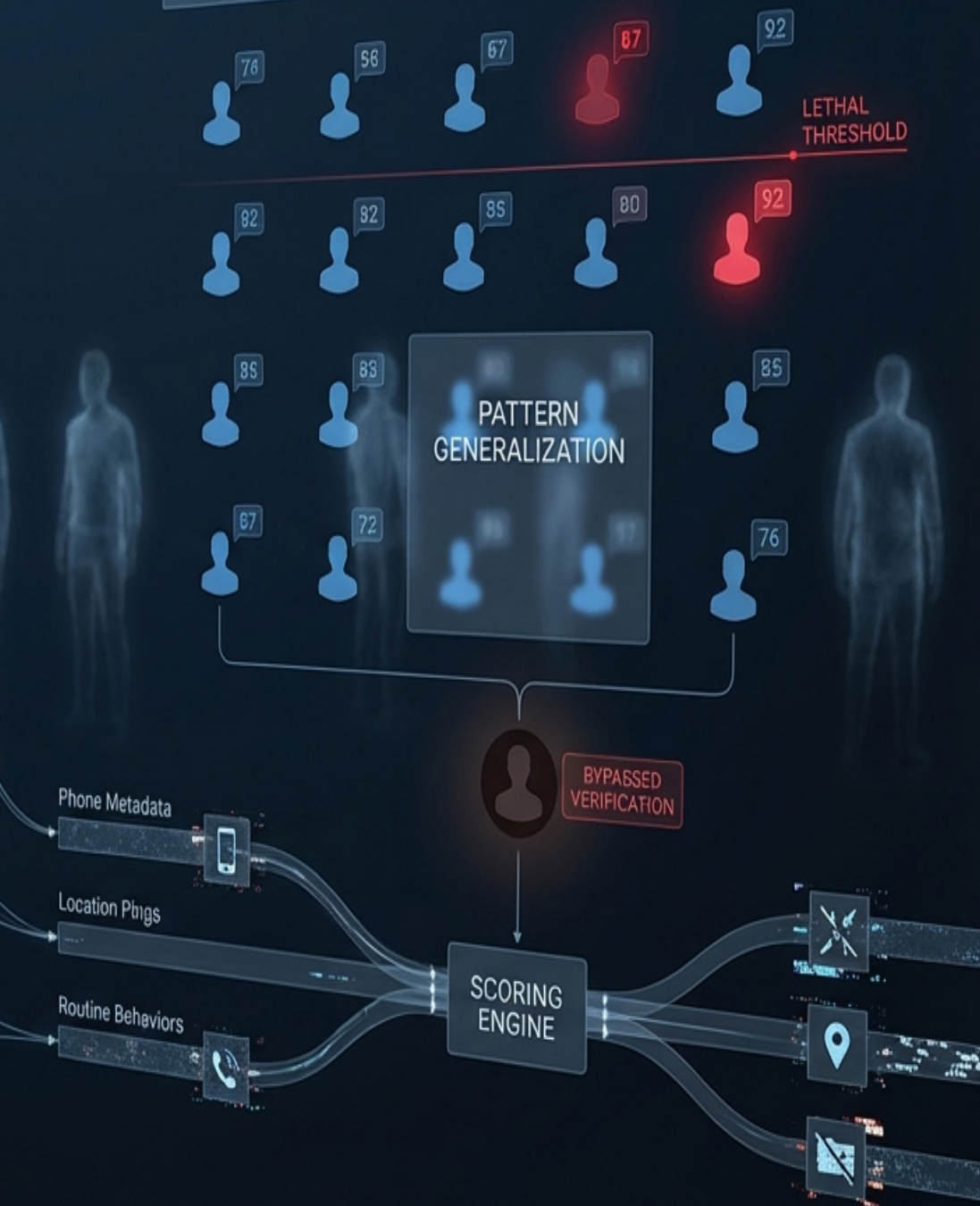
■ همسری که از شبکه های اجتماعی محروم می شود،

■ همکارانی که باید جلسات را در زیرزمین های بدون آنتن و تونل های امن برگزار کنند.

در این فصل، تضاد

میان «امنیت» و «زندگی عادی» برای خواننده ملموس می شود.

LAVENDER



کتاب زنجیره ترور - ناصر کاوه

PALANTIR

Centrality

Centrality

ALTERO

Centrality

Betweenness

FILTERS

Betweenness

فصل پنجم هوش مصنوعی در خدمت قتل؟

«لاوندر»، «پالانتیر» و هم خانواده‌های آنها به عنوان نمونه‌های هوش مصنوعی و پلتفرم تحلیلی ذکر شده‌اند. هدف این فصل، سیاسی کردن بحث نیست، بلکه نشان دادن منطق فنی پشت این ابزارهاست.

پالانتیر؛ مهندس گراف‌های امنیتی
پالانتیر در اصل برای تحلیل داده‌های عظیم و ساخت گراف‌های ارتباطی میان افراد، مکان‌ها، معاملات و رویدادها طراحی شده است. در جنگ؛

- دیتاست‌های حجیم را به گراف تبدیل می‌کند،
 - افراد مهم را با شاخص‌هایی مثل Betweenness و Centrality نشان می‌دهد،
 - و قابلیت «فیلتر کردن جهان» را در اختیار تحلیل‌گر قرار می‌دهد.
- لاوندر؛ نمره‌دهی به انسان‌ها

گزارش‌ها درباره لاوندر، از آن به عنوان سامانه‌ای یاد می‌کنند که:

- هر فرد را بر اساس داده‌هایش یک «نمره» می‌دهد،
- و از یک حد مشخص به بالا، آن فرد کاندیدای هدف‌گیری نظامی محسوب می‌شود.

از نگاه این کتاب، نکته اصلی این است:

- انسان‌ها به نود در گراف تبدیل می‌شوند،
 - و ارزش جان‌شان به یک عدد در یک الگوریتم تقلیل می‌یابد.
- در این فصل، مهم است که نشان داده شود که چه طور:
- خطای داده،
 - تعمیم الگوها،
 - و نقص در لایه‌های تأیید انسانی،
- می‌تواند به قتل انسان‌های بی‌گناه منجر شود.

کتاب زنجیره ترور ناصر کاوه

CHAPTER 5

CHAIN OF KILLING AND CLOUD SPACE



کتاب زنجیره ترور_ناصر کاوه



کتاب زنجیره ترور ناصر کاوه

CHAPTER SIX:

THE DEATH OF ABSOLUTE DETERRENCE

WHY NO ONE IS SAFE



فصل ششم مرگ بازدارندگی مطلق؛ چرا هیچ کس امن نیست؟

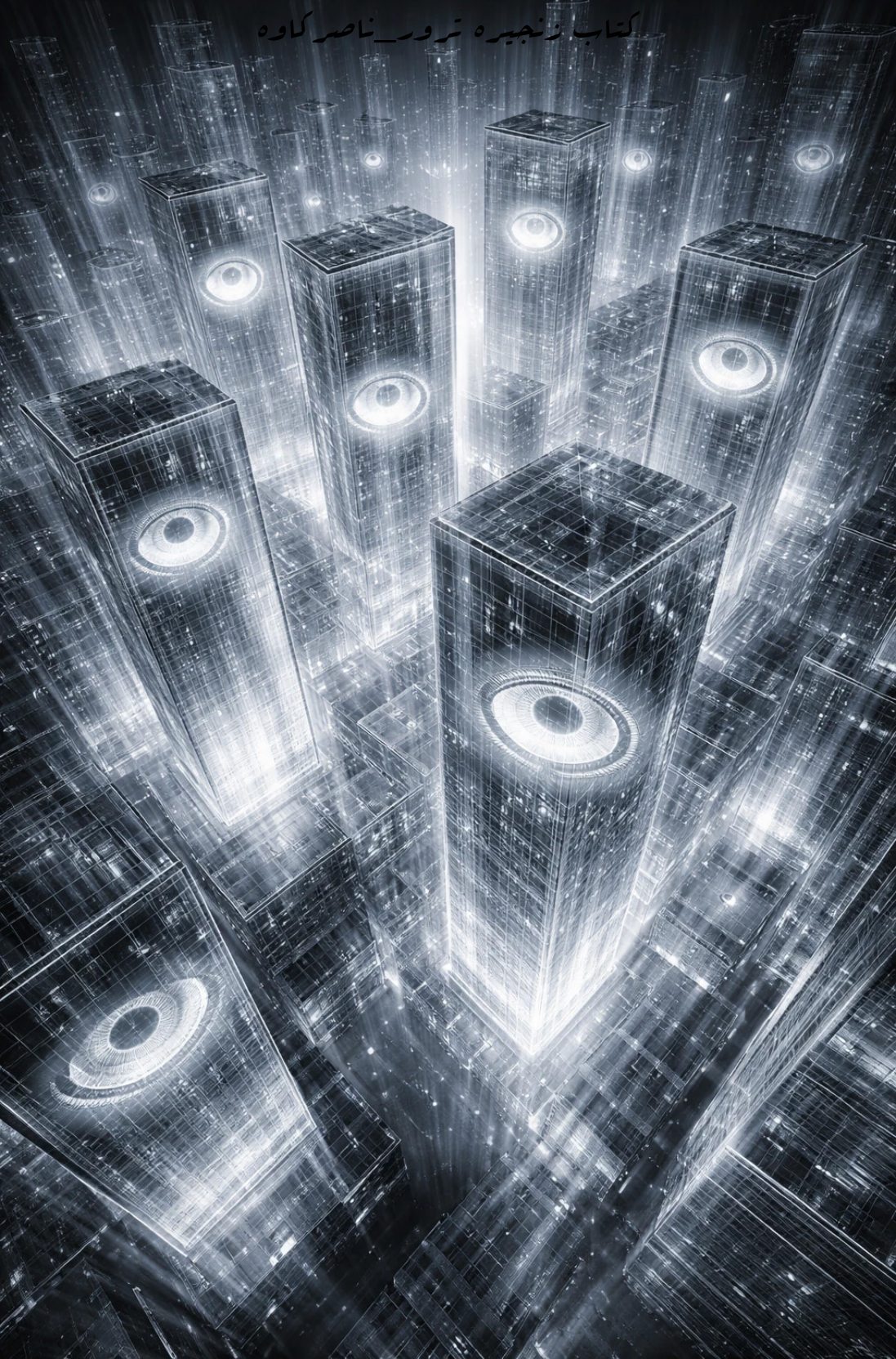
«با توجه به پیشرفت تکنولوژی‌های جدید، هیچ بازدارندگی مطلق برای هیچ کشوری وجود ندارد.»
بازدارندگی در دوران جنگ سرد، تا حد زیادی بر:
■ قدرت موشکی،
■ سلاح هسته‌ای،
■ و هزینه بالای حمله مستقیم استوار بود.

اما در جنگ دیجیتال:
■ مرزها نفوذپذیرند،
■ پلتفرم‌ها فراملی‌اند،
■ و وابستگی اقتصادی و اجتماعی به فناوری، «قطع کامل اتصال» را تقریباً ناممکن کرده است.

حتی اگر کشوری:
■ شبکه ملی داشته باشد،
■ پلتفرم‌های داخلی را توسعه داده باشد،
■ و بخشی از اینترنت را فیلتر کند،

باز هم در جنگ واقعی،
■ دوربین‌های تجاری اینترنت‌اشیا،
■ تجهیزات خارجی،
■ و عادات رفتاری مردم،
روزنه‌هایی برای نفوذ تکنولوژی باقی می‌گذارند.
در این فصل این واقعیت را روشن شد که:
در برابر جنگ الگوریتمی، مفهوم «امنیت مطلق» توهم است؛
بحث بر سر کاهش ریسک و کاهش سطح داده در معرض دشمن است، نه ایجاد سپر صددرصدی.

کتاب زنجیره سرور ناصر کاوه



کتاب زنجیره ترور - ناصر کاوه



کتاب زنجیره رور-ناصر کاوه



فصل هفتم

کوری اطلاعاتی؛ تجربه یمن و غزه در عصر نظارت مطلق

به یکی از نکات کلیدی این کتاب کاملاً توجه کنید!؟

«یکی از دلایلی که در یمن و غزه، برای دشمن «کوری اطلاعاتی» وجود دارد، استفاده از روش‌های کاملاً سنتی است...»

این فصل محل روایت استراتژی معکوس است: وقتی دشمن با تکنولوژی پیشرفته می‌بیند، تو با سنتی شدن افراطی خود را پنهان می‌کنی.

- نمونه‌هایی که می‌توان توضیح داد:
- استفاده از پیام‌رسان‌های کاغذی و حامل انسانی،
- عدم استفاده از موبایل در محیط‌های حساس،
- برگزاری جلسات در تونل‌ها و طبقات زیرزمین و مکان‌هایی که:

- o سیگنال موبایل ندارند،
- o به دوربین‌های شهری متصل نیستند،
- o و حتی از دید پهپادهای حرارتی مصون‌ترند.

در این فصل، خوانندگان گرامی تضاد جالبی را کشف و درک خواهند کرد که:

- جهان دیجیتال، سرعت و راحتی می‌دهد،
- اما هر سرعت و راحتی، هزینه اطلاعاتی دارد،
- گروه‌هایی که حاضرند از این راحتی چشم‌پوشی کنند، می‌توانند «کوری اطلاعاتی» نسبتاً مؤثر ایجاد کنند؛ هرچند نه مطلق.

کتاب زنجیره رورناصر کاوه



OX: HOW TO EXIT THE KILL GRAPH."

LEGAL FRAMEWORKS

Traffic data flows and movement logs, and controlled filters.

TRAFFIC DATA
& MOVEMENT LOGS

INDIGENOUS GRAPH-ANALYSIS SYSTEMS

NEUTRAL, CALCULATING ANALYTICAL TOOLS: focused protection, monitoring risk without lethal intent.

INDIGENOUS GRAPH-ANALYSIS SYSTEMS:

Neutral, calculating analytical tools focused protection, monitoring, risk without lethal intent.

Rotater envelopes & physical addresses marked on tactile maps.

TOTAL CONNECTIVITY AND TECHNOLOGICAL EMBRACE-
LETHAL TRANSPARENCY
AND VULNERABILITY

OLE PATH:
D BALANCE

Human couriers.
Rotating physical addresses marked on tactile maps.

Small trust-based circles, or "rings of custody" intentionally disconnected from no previously compromised electronic contact networks.

Everyday conveniences :- apps, social media platforms, smart home, devices and disconnected during sensitive moments or locations.

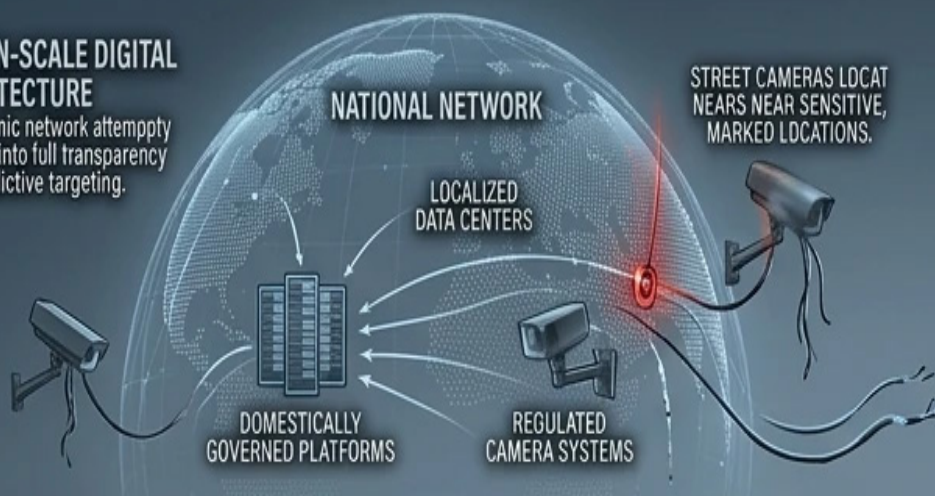
Everyday minimatiatly, minimized, or smart home devices, during disssive moments or locations.

CHAPTER EIGHT: "SURVIVAL PARAD"

STRUCTURAL & INFRASTRUCTURAL

NATION-SCALE DIGITAL ARCHITECTURE

Algorithmic network attempt to element into full transparency and predictive targeting.



ORGANIZATIONAL & LEADERSHIP

DISCIPLINED HUMAN NETWORKS OPERATE OUTSIDE EXPOSED DIGITAL GRAPHS

Meetings is held deep underground in reinforced spaces constructed of thick concrete and heavy timbers. No wireless signal waves, absence no glowing electronic devices.

Mobile phones and electronics sealed away in designated lockboxes and Faraday cages outside defined security perimeters.



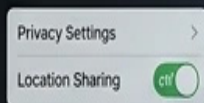
TOTAL DISCONNECTION AND ISOLATION-DIGITAL PARALYSIS

Human courten netotronics sealed away in designated lockboxes and Faraday electronic contact networks.

THE MIDDLE DISCIPLINE

INDIVIDUAL & EVERYDAY USERS

Ordinary people navigating daily life, while consciously minimizing esarnents and coneriously minimizing their digital exposure.



فصل هشتم

راهکارها و پارادوکس بقا؛ چگونه از گراف قتل بیرون بمانیم؟

چند راهکار برای بقا و فرار از ترورهای هوشمند:

- آفلاین سازی دوربین های خیابان های منتهی به مراکز حساس،
- برگزاری جلسات در عمق زیرزمین ها،
- استفاده از روابط جدید خارج از ارتباطات سوخته در موقعیت بحران،
- قطع استفاده از موبایل ها و لوازم الکترونیکی اطرافیان
- شخصیت ها،
- رجوع به روش های سنتی و کاغذی.

«در این فصل چند سطح راهکار اجرایی و عملی ارائه می شود»

۱. سطح ساختاری (حاکمیتی / زیرساختی)

- ایجاد حاکمیت سایبری و شبکه ملی برای کاهش وابستگی به پلتفرم های خارجی (ارجاع به همان صفحه «پان اپتیکون»).
- قانون گذاری درباره دوربین ها، ذخیره سازی و دسترسی به داده های تردد.
- توسعه سامانه های بومی تحلیل گراف، نه برای ترور، بلکه برای امنیت داخلی و حفاظت.

۲. سطح سازمانی (فرماندهان، شخصیت ها، فعالان)

- پروتکل های سختگیرانه:
- ممنوعیت استفاده از موبایل در شعاعی مشخص از محل استقرار،
- جداسازی کامل ارتباطات کاری و خانوادگی،
- آموزش خانواده ها و نزدیکان درباره ریسک های عادی ترین رفتارهای دیجیتال.
- طراحی روابط جدید غیرقابل ردیابی در زمان بحران:

کتاب زنجیره ترور ناصر کاوه

۵ حلقه‌های امانتی،
۵ حاملان انسانی پیام،
۵ آدرس‌های فیزیکی غیر ثابت.

۳. سطح فردی (کاربر عادی)
در عین این‌که هدف اصلی کتاب، شخصیت‌ها و فرماندهان است، برای خواننده عادی هم باید پیام‌هایی داشته باشد:
■ آگاهی از این‌که هر چیز رایگان در فضای دیجیتال، هزینه‌اش اغلب داده‌های تو است.
■ تنظیمات حریم خصوصی، حداقل‌سازی اشتراک مکان و عکس، پرهیز از اتصال همه چیز به همه چیز.
■ استفاده از «کمینه‌گرایی دیجیتال» در دوره‌های حساس.
پارادوکس بقا

در عین حال باید برای خوانندگان روشن کنم که:
■ اگر همه چیز را کاملاً قطع کنیم، فلج می‌شویم.
■ اگر همه چیز را آزاد بگذاریم، به‌طور شفاف در گراف قتل قرار می‌گیریم.

بنابراین، بقا در جنگ الگوریتمی یعنی:
یافتن نقطه تعادل میان «استفاده حداقلی هوشمندانه» و «انصراف از راحتی خطرناک».



LIVE DATA OSTROISED
CLOUD-PROCESSING CENTERS

LIVE DATA STREAMS

Viagabreab/terahitite
predicijny templopunores

DUAL-USE

Commerciolo crithien,
dual-use platforms
Ilie military sonitibne
denice reatitine celatilis
Internet arrays

Street platform

Secial plot

Telecom towers

Digital maps

MACHINE SCALE

Cold, autonomous intelligence system continuously
classifies, labels, and stores everything in real time.

TOTAL SITUATIONAL AWARENESS

Planetary surveillance network is normalized to Earth, symbolizing a continuous 'Total' Situational Awareness. This seamless and borderless graph. Geography has lost its traditional meaning.



Human vulnerable movements on the ground
and it, exposed to recognizable patterns.

فصل نهم

ماهواره، سنسور و آسمان جاسوس ها

در این فصل توضیح می دهیم که چگونه «آسمان» نیز در زنجیره ترور الگوریتمی، لایه ی نهایی دیده بان است.

«نکات کلیدی»

■ بیش از ۵۰۰۰ ماهواره در مدار پایین زمین (LEO) در حال تصویربرداری آنی از تحرکات سطح زمین هستند.

■ تصاویر آن ها با هوش مصنوعی به صورت بلادرنگ (Real-Time) برچسب گذاری و آرشیو می شود.

■ هر خودرویی که چندبار در یک مکان تکرار شود، با متادیتای زمان و مکان قابل شناسایی است.

■ ترکیب داده ماهواره با گراف زمینی (موبایل، دوربین، پلتفرم) ساختار Total Situational Awareness می سازد — آگاهی مطلق از وضعیت، که مرز جغرافیایی را بی معنا می کند.

■ در جنگ های اخیر، حتی در تاریکی یا شرایط ابری، ماهواره های مادون قرمز و تصویربرداری حرارتی مصنوعی (SAR) قادر به پیگیری هدف از پشت دیوارهای نازک بتنی هستند.

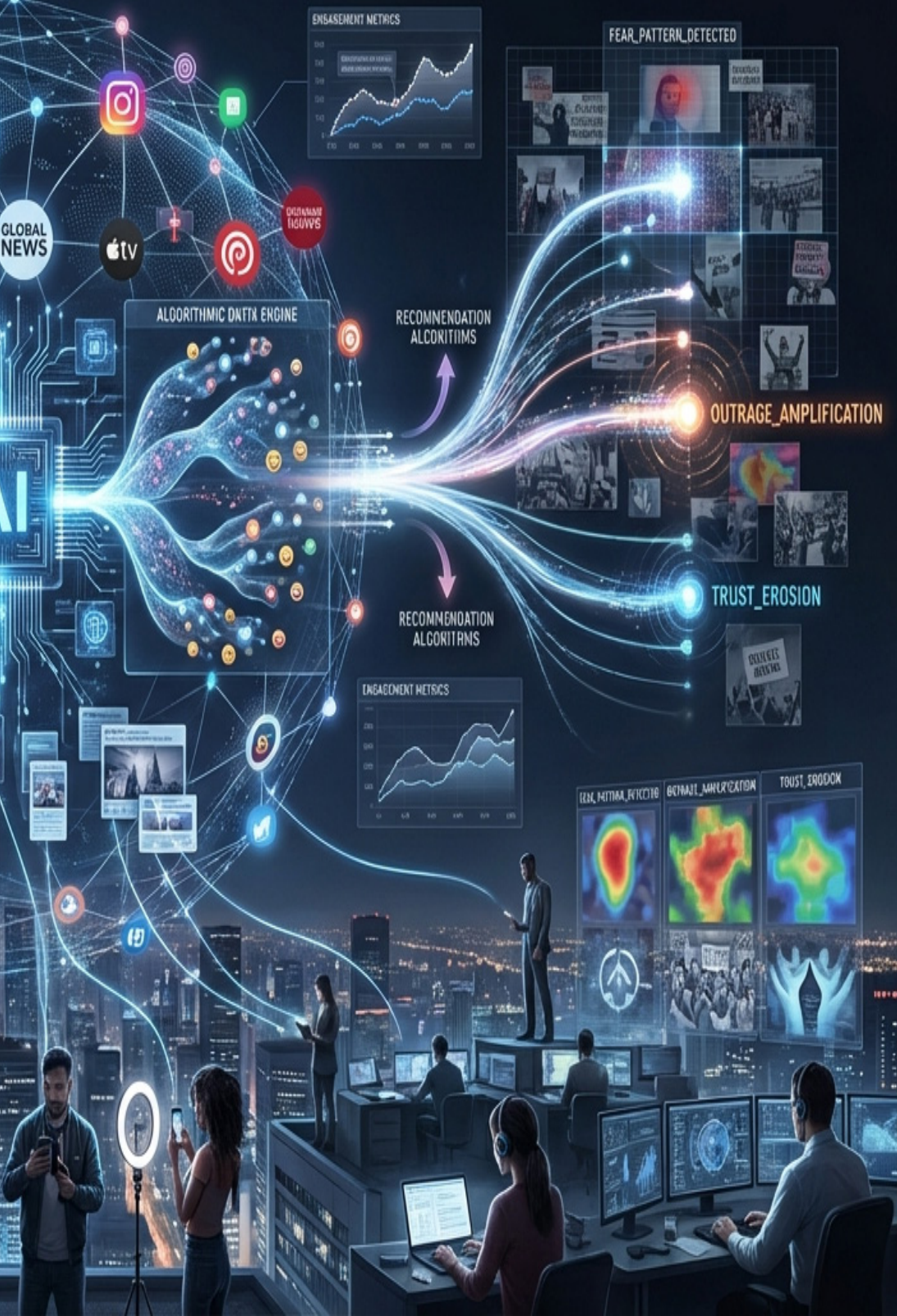
■ نقش شرکت های خصوصی فضایی (مثل Starlink، BlackSky، PlanetLabs) در تسهیل انتقال داده های زنده برای عملیات نظامی نیز باید توضیح داده شود: شبکه ای که در ظاهر تجاری است، اما در جنگ، به چشم نظامی بدل می گردد.

توصیه روایی: برای خواننده تصویری از جنگی بده که دیگر در زمین رخ نمی دهد، بلکه یک «جنگ دیدن» در مدارهاست؛ مرگ از آسمان، با پردازش ابری و الگوریتمی.

کتاب زمزمه راوی ناصر کاوه



کتاب زنجیره رور ناصر کاوه



COEXISTENCE OF INFILTRATION AND MEDIA - THE INVISIBLE ACTORS

CHAPTER TEN - COEXISTENTIAL CINEMATIC ILLUSTRATION



فصل دهم همزیستی نفوذ و رسانه؛ بازیگرانی که نامرئی می مانند

در این فصل، ترکیب عملیات روانی، نفوذ اطلاعاتی و دستکاری رسانه‌ای را به عنوان بازوی نرم دشمن در «جنگ الگوریتمی» بررسی می‌کنی.

«محورها»

■ رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نه فقط ابزار اطلاع‌رسانی، بلکه میدان عملیات داده‌ای‌اند؛ هر ترند، هر هشتگ، می‌تواند یک حسگر جمعی باشد.

■ نفوذگران دیجیتال (از اینفلوئنسر تا خبرنگار میدانی) خواه ناخواه در گراف اطلاعاتی دشمن قرار می‌گیرند و جهت نگاه عمومی را هدایت می‌کنند.

■ در این شبکه، حتی رفتارهای فرهنگی و عاطفی جامعه تحلیل می‌شود تا اثرگذاری هدفمند روی افکار یا لو دادن الگوهای تحرک انجام گیرد.

■ الگوریتم‌های توصیه‌گر (Recommendation Systems) با داده‌های روان‌شناختی ترکیب شده و عملاً همان کاری را می‌کنند که جنگ روانی کلاسیک با اعلامیه و رادیو انجام می‌داد.

■ نتیجه: «ترور نرم»؛ حذف ذهنی، اعتبارزدایی، یا بی‌حس کردن وجدان جمعی پیش از شلیک واقعی است و «قبل از آن که جسم را بکشند، حقیقت را می‌کشند»







سخن آخر

نویسنده، گراف و مسئولیت اخلاقی در عصر جنگ الگوریتمی

در طول تاریخ، فناوری همیشه چهره جنگ را تغییر داده است. از اختراع باروت تا ظهور هواپیماهای جنگی و از رادار تا موشک‌های هدایت‌شونده، هر پیشرفت فنی شکل جدیدی از قدرت و در عین حال شکل جدیدی از تهدید را به همراه آورده است. آنچه امروز با آن مواجه هستیم، مرحله تازه‌ای از همین روند تاریخی است: ورود گسترده داده‌ها، الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی به میدان جنگ. در این مرحله، جنگ تنها با سلاح‌های فیزیکی انجام نمی‌شود. داده‌ها نیز به سلاح تبدیل شده‌اند.

هر ردپای دیجیتال، هر ارتباط ثبت‌شده و هر الگوی رفتاری قابل تحلیل، می‌تواند بخشی از یک تصویر بزرگ‌تر باشد؛ تصویری که توسط سامانه‌های تحلیل داده ساخته می‌شود. در این تصویر، انسان‌ها به نقاطی در یک شبکه تبدیل می‌شوند و روابط میان آن‌ها به خطوطی در یک گراف بزرگ بدل می‌گردد. این نگاه شبکه‌ای به انسان‌ها، اگرچه از نظر فنی بسیار قدرتمند است، اما خطر بزرگی نیز در خود دارد: خطر تقلیل انسان به داده. وقتی تصمیم‌گیری‌ها بیش از حد به الگوریتم‌ها واگذار شود، احتمال آن وجود دارد که پیچیدگی زندگی انسانی در قالب چند شاخص عددی خلاصه شود. یک فرد ممکن است در یک مدل داده‌ای به عنوان «گره پرارتباط»، «میانجی شبکه» یا «نقطه کلیدی» شناخته شود، اما این برچسب‌ها هرگز نمی‌توانند تمام واقعیت انسانی او را توضیح دهند.

پشت هر گره در یک گراف، یک انسان واقعی وجود دارد. انسانی با خانواده، دوستان، خاطرات و زندگی‌ای که از بیرون شبکه‌های داده‌ای قابل مشاهده نیست. این فاصله میان «داده» و «انسان»، همان نقطه‌ای است که مسئولیت اخلاقی ما در آن آغاز می‌شود.

در جهانی که فناوری به سرعت در حال پیشروی است، پرسش اصلی تنها این نیست که چه چیزی از نظر فنی ممکن است؛ پرسش مهم‌تر این است که چه چیزی از نظر انسانی و اخلاقی قابل قبول است. برای نویسنده‌ای که درباره این جهان می‌نویسد، این مسئولیت دوچندان است. نویسنده تنها گزارشگر واقعیت نیست؛ او سازنده تصویر ذهنی جامعه نیز هست. نحوه روایت او می‌تواند بر درک عمومی از فناوری، امنیت و خطرات آن تأثیر بگذارد. اگر خطرات جهان داده‌محور نادیده گرفته شود، جامعه ممکن است بدون آگاهی کافی در معرض آسیب‌های جدی قرار گیرد. از سوی دیگر، اگر تصویر ارائه شده بیش از حد تیره و هراس‌آور باشد، ممکن است به احساس ناتوانی و بی‌اعتمادی عمومی منجر شود.

میان این دو افراط، راه سومی وجود دارد: آگاهی همراه با تعادل. هدف این کتاب نیز در همین چارچوب تعریف می‌شود. هدف آن نه ایجاد وحشت از فناوری است و نه انکار توانایی‌های آن. فناوری می‌تواند در بسیاری از حوزه‌ها زندگی انسان‌ها را بهبود بخشد؛ از پزشکی و آموزش گرفته تا مدیریت بحران و ارتباطات جهانی. اما همان فناوری، اگر بدون نظارت و آگاهی اجتماعی به کار گرفته شود، می‌تواند به ابزاری برای کنترل، نظارت افراطی و حتی حذف فیزیکی انسان‌ها تبدیل شود. شناخت این دو چهره فناوری، نخستین گام برای برخورد مسئولانه با آن است.

در جهانی که داده‌ها به سرمایه اصلی تبدیل شده‌اند، آگاهی از ارزش و حساسیت داده‌های شخصی اهمیت زیادی دارد. بسیاری از رفتارهایی که در فضای دیجیتال کاملاً عادی به نظر می‌رسند، در واقع تولیدکننده حجم بزرگی از اطلاعات درباره زندگی افراد هستند. این اطلاعات ممکن است در نگاه اول بی‌اهمیت به نظر برسند، اما در مقیاس بزرگ و با استفاده از ابزارهای تحلیل

پیشرفته، می‌توانند به تصویری بسیار دقیق از ساختار اجتماعی و رفتاری جوامع تبدیل شوند. در چنین شرایطی، هر فرد تا حدی در شکل دادن به گراف داده‌ای جامعه نقش دارد.

این به آن معنا نیست که انسان‌ها باید از جهان دیجیتال فاصله کامل بگیرند یا از همه فناوری‌ها چشم‌پوشی کنند. چنین چیزی نه ممکن است و نه مطلوب. اما آنچه ضروری است، نوعی آگاهی جمعی درباره پیامدهای داده‌ای رفتارهای دیجیتال است. جامعه‌ای که از ماهیت داده‌ها و الگوریتم‌ها آگاه باشد، می‌تواند تصمیم‌های آگاهانه‌تری بگیرد. چنین جامعه‌ای می‌تواند درباره حریم خصوصی، مدیریت داده‌ها، حاکمیت سایبری و امنیت اطلاعاتی گفت‌وگو کند و برای آینده دیجیتال خود سیاست‌های مسئولانه‌تری شکل دهد.

در این میان، نقش نویسندگان، پژوهشگران و اندیشمندان بسیار مهم است. آن‌ها می‌توانند مفاهیم پیچیده فناوری را به زبانی قابل فهم برای عموم جامعه ترجمه کنند و زمینه گفت‌وگوی عمومی درباره این مسائل را فراهم آورند. شاید مهم‌ترین پیام این کتاب نیز همین باشد: شناخت گرافی که در آن زندگی می‌کنیم.

جهان امروز شبکه‌ای از ارتباطات، داده‌ها و الگوریتم‌هاست. فهم این شبکه به ما کمک می‌کند رفتارهای خود را آگاهانه‌تر تنظیم کنیم و نسبت به پیامدهای آن‌ها حساس‌تر باشیم. در نهایت، هدف از این شناخت نه قطع ارتباطات انسانی، بلکه حفاظت از آن‌هاست. انسان‌ها پیش از آن‌که داده باشند، انسان هستند. هیچ الگوریتمی نباید این حقیقت ساده را از یاد ما ببرد. این کتاب دعوتی است برای دیدن جهان شیشه‌ای داده‌ها، فهمیدن ساختار گرافی که زندگی ما را احاطه کرده و تلاش برای زیستن آگاهانه‌تر در عصری که مرز میان فناوری و قدرت، هر روز پیچیده‌تر می‌شود.

کتاب زنجیره ترور-ناصر کاوه

در پایان کتاب، به عنوان نویسنده، خطاب به خوانندگان محترم و نیز به خودم، چند نکته را طرح می‌کنم:

۱.۱ در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن مرگ می‌تواند نتیجه یک الگوریتم باشد. این واقعیت، مسئولیت اخلاقی ما را در تولید، مصرف و اشتراک داده‌ها سنگین‌تر می‌کند.

۲. نویسنده‌ای مثل من، ناصر کاوه، با قلم خود در ساختن «تصویر ذهنی جامعه» نقش دارد:

۵ اگر خطرها عادی و بی‌اهمیت نشان دهم، کمک می‌کنم مردم با دست خود اطلاعاتشان را به گراف تبدیل و به قتل برسند.
۵ اگر با اغراق و ترساندن افراطی بنویسم، جامعه را به ناامیدی و فلج شدن و بسته شدن بازار کسی و کار اینترنتی می‌کشانم.
۵ اگر با دقت و تعادل بنویسم، امکان آگاهی و تبیین بدون وحشت را فراهم می‌کنم.

۳. در سخن آخر می‌توان یک پیام انسانی پررنگ کنم:
۵ پشت هر نود در گراف، یک انسان است،
۵ پشت هر «هدف» در یک سامانه هوش مصنوعی، یک خانواده است،

۵ و هیچ الگوریتمی نباید ما را از دیدن این حقیقت باز دارد.
این کتاب دعوتی است به این که قبل از آن که دیگران از گراف ما برای ترور ما استفاده کنند، خودمان گراف را بشناسیم؛ جهان شیشه‌ای را ببینیم، و از تماشای خودمان در این قفس شیشه‌ای، راهی برای کم‌خطرتر زیستن پیدا کنیم.

«خواند این کتاب برای فرماندهان، مسئولین و خانواده، کارمندان و محافظان آنان در جمهوری اسلامی ایران، واجب است»

پایان
ناصر کاوه

کتاب زنجیره ترور_ناصر کاوه

کتابخانه دیجیتال

